

اراده خدا از نگاه خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و علامه طباطبایی

آرمین منصوری^۱، علی اله‌بداشتی^۲

چکیده

چگونگی اراده الهی یکی از مسائل بحث‌برانگیز خداشناسی است که برغم پذیرش اراده الهی بعنوان یکی از صفات الهی توسط تمامی اندیشمندان، اختلاف نظرهای بسیاری در تفسیر آن وجود دارد. هدف این مقاله بررسی، مقایسه و ارزیابی آراء خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا و علامه طباطبایی در سه بعد معناشناسی، منشأ و هستی‌شناسی اراده الهی است. خواجه نصیر اراده را عین داعی که همان علم به مصلحت فعل است، میداند و در نتیجه به اراده ذاتی خداوند معتقد بوده و آن را از صفات ذات میداند. ملاصدرا عینیت حب با اراده را نیز به عینیت علم به مصلحت فعل با اراده اضافه کرده و اراده را صفت ذات قلمداد میکند و روایات وارده از معصومین در صفت فعل بودن اراده را با تغییر معنا و مرتبه آن از معنای قصد انجام فعل و مقام ذات به معنای ایجاد و مرتبه موجودات بالفعل توجیه میکند. اما علامه طباطبایی ارجاع اراده به علم به نظام اصلح را مناقشه‌ی لفظی دانسته و آن را صرفاً نامگذاری قلمداد میکند. او با ارجاع اراده به هر صفت ذاتی دیگری غیر از علم، مانند حب، مخالف بوده و در نتیجه اراده را نه از صفات ذات بلکه منتزع

۳۵

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛

arminmansouri96@gmail.com

۲. استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران؛

alibedashti@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲۱ نوع مقاله: پژوهشی



DOR: 20.1001.1.20089589.1400.12.2.2.0

از مقام فعل و از صفات فعل تلقی میکند و منشأ انتزاع آن را نفس فعلی که در خارج اتفاق می‌افتد یا حضور علت تامه برای فعل، معرفی میکند. بنظر میرسد تغییر نگاه هستی‌شناسانه به اراده و صفت فعلی دانستن آن توسط علامه در توجیه محذوریتهای عقلی، دقیقتر از صفت ذات دانستن اراده بدون عنایت به تغایر مفهومی میان اراده با علم و حب است که توسط خواجه و ملاصدرا ارائه شده است.

کلیدواژگان: اراده خدا، ذاتی، فعلی، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا، علامه طباطبایی.

* * *

مقدمه

مبحث اسماء و صفات الهی، در کنار شناخت ذات، اصلیتین مسائل خداشناسی را تشکیل میدهند. بموجب آیات قرآن کریم، زمانیکه هدف شناساندن خداوند است، ذکر اوصاف خدای متعال بعنوان اصلیتین روش و رویکرد اتخاذ شده است. تحلیل عقلانی صفات واجب‌الوجود نیز همواره یکی از مسائل مهم خداشناسی فلسفی و کلامی بوده و در عین ظرافتهایی که دارد، بسیار حساس است، زیرا تحلیل نادرست آنها منجر به کج‌اندیشی و کج‌فهمی در باب خداشناسی میشود.

در میان صفات الهی، اراده واجب‌تعالی بعنوان صفتی ثبوتی، یکی از صفاتی است که هم در آیات و روایات صریحاً به خداوند نسبت داده شده و هم بصورت عقلی برای خداوند قابل اثبات است. با این حال، مناقشه‌هایی درباره اراده الهی در دیدگاههای فیلسوفان و همچنین متکلمان دیده میشود و با وجود آنکه مرید بودن واجب‌الوجود مورد اتفاق همه است، در تفسیر اراده و چگونگی اتصاف آن به خدای متعال اختلافاتی فراوان و گاه متضاد وجود دارد. بعنوان مثال، برخی فلاسفه اراده را صفت ذات و در نتیجه عین ذات می‌شمارند و برخی دیگر آن را صفت فعل میدانند. متکلمان محدث امامیه، اراده را صفت فعل معرفی میکنند، اشاعره بر این باورند که اراده امری زائد بر ذات خداوند و قدیم (صفت ذات) میباشد و بعضی معتزلیها معتقدند اراده همان داعی است و عده‌ی دیگر اراده خداوند را حادث، اما نه در محل بلکه قائم به خود میدانند. کرامیه نیز معتقدند اراده خداوند حادث در

۳۶

